

ناطوردشت

جورم دیوید سلینجر

مترجم:

مریم فیروزبخت

www.ketab.ir

انتشارات آریایی

سرشناسه	: سالینجر، جروم دیوید، ۱۹۱۹ - ۲۰۱۰ م. (Jerome David Salinger)
عنوان و نام پدیدآور	: ناطوردشت/جورم دیوید سلینجر؛ مترجم مریم فیروزبخت.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات آریایی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۹ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-96950-3-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: The catcher in the rye.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰ م. American fiction -- 20th century
موضوع	: نوجوانان فراری -- داستان Runaway teenagers -- Fiction
شناسه افزوده	: فیروزبخت، مریم، ۱۳۵۸ - مترجم
رده بندی کنگره	: PS ۳۵۲۵
رده بندی دیویی	: ۸۱۳/۵۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۱۷۷۵۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا



انتشارات آریایی

ناطوردشت

نویسنده: جورم دیوید سلینجر
 مترجم: مریم فیروزبخت
 ناشر: آریایی
 چاپ: آرمانسا
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰
 شابک: 978-622-96950-3-6
 قیمت: ۸۵,۰۰۰ تومان

آدرس دفتر مرکزی انتشارات آریایی: تهران - خیابان انقلاب - روبروی سینما سپیده
 جنب بانک ملی دانشگاه و تجارت - ساختمان کریمستان - پلاک ۱۱۶۶ - طبقه دوم
 تلفن: ۶۶۴۶۰۸۹۱ - ۶۶۴۶۰۸۸۷۲ تلفکس: ۶۶۴۶۰۸۹۱ همراه: ۰۹۱۲۱۰۲۶۴۹۳
nashrariaei@gmail.com

کلیه حقوق مربوط به چاپ این اثر برای ناشر محفوظ می‌باشد.

مقدمه

ناتور دشت، نوشته جروم دیوید سلینجر که به نام جی. دی. سلینجر شهرت دارد، می‌باشد. او در سال ۱۹۱۹ در شهر نیویورک به دنیا آمد و پسر یک پدر یهودی و یک مادر مسیحی بود. وی بعد از گذراندن دوره‌های کوتاهی در دانشگاه‌های نیویورک و کلمبیا، تمام وقت خود را صرف نویسندگی کرد و این کتاب را در زمان حضورش در جنگ نوشت. او در دوران کودکی، همانند قهرمان داستان خود، به مدرسه و درس و حتی سینما علاقه‌ای نداشت. کتاب ناتور دشت او، در ابتدا بصورت دنباله‌دار در طی سال‌های ۴۶-۱۹۴۵ به چاپ رسید. این کتاب بعد از گذشت سال‌ها از چاپ آن، هنوز هم به عنوان شاهکار برجسته‌ای قابل تقدیر است و در سال ۱۹۹۹ نیز به عنوان شصت و چهارمین رمان برتر سده بیست معرفی گردید. وی همیشه دوست داشت بزرگترین رمان آمریکا را بنویسد و گرچه از سوی کارگردان‌های بزرگ سینما با تقاضاهای زیادی روبه‌رو شد، ولی هیچ‌گاه راضی نشد که براساس داستانش در هالیوود، فیلمی ساخته شود. در واقع پاسخ او به آنها چنین بود: «نمی‌توانم چنین اجازه‌ای را بدهم؛ چون هولدن خوشش نمی‌آید!» وی در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ در سن ۹۱ سالگی دار فانی را وداع گفت.

شاید در وهله نخست، مخاطف نتواند ارتباطی بین نام این کتاب، با متن آن دریابد. در واقع ناتور دشت برگرفته از شعری از سعدی در باب پنجم کتاب بوستان است و کلمه ناتور به معنای حافظ و نگهبان باغ و دشت می‌باشد. این عنوان برگرفته از همان چیزی است که هولدن دوست دارد

انجام دهد. در قسمتی از کتاب می‌خوانیم که او نمی‌خواهد دانشمند شود؛ نمی‌خواهد مثل پدرش وکیل شود؛ بلکه می‌خواهد ناتور دشت شود. شغلی خیالی که هولدن آرزوی آن را دارد؛ چرا که می‌خواهد در دشتی، نگهبان هزاران بچه کوچک باشد و از آنها مراقبت کند. او که خود در میان دوره‌های کودکی و بزرگسالی معلق مانده است، همچنان امیدوار است که بتواند از بقیه بچه‌ها محافظت کند و آنها را از مسائلی که مخص بزرگسالی است دور نگه دارد. و این در حالی است که معصومیت کودکی خود را در زمینه‌های چون مدرسه، پول و غریزه جنسی از دست رفته می‌داند. البته باید در نظر گرفت که ناتور یه کلمه نسبتاً ورافتاده در زبان فارسی است؛ در حالیکه (catcher) یک کلمه امروزی است و چندین مرتبه در متن اصلی استفاده شده و حتی در ترجمه‌ای که هولدن آن را دوست دارد نیز به چشم می‌خورد؛ از این رو به ناچار معادل (گرفتن) برای آن انتخاب شده است که با عنوان ناتور دشت همخوانی ندارد. بهر حال شاید زیباترین ترجمه‌ای که می‌توان برای عنوان کتاب برگزید، همان ناتور دشت باشد؛ هرچند که متن اصلی بلافاصله این پل ارتباطی را با مخاطب برقرار نمی‌کند.

ناتور دشت حکایت جوان‌های جستجوگری است - که به سبب تغییرات فیزیکی و هورمونی بدنشان - حاضر نیستند همرنگ جماعت شوند و هولدن شخصیت اصلی کتاب نماد تمام جوانانی است که قوانین دست و پاگیر جامعه را فشار تحمیل شده‌ای بر خود می‌داند و در تلاش برای رهایی از این محدودیت‌های بی‌معنایی است که بر او تحمیل شده است. البته هولدن شخصیت عجیب و متفاوت با سایر هم سن و سالان خود دارد. او که کنجکاو و یاغی است، بارها از مدرسه اخراج شده و در آستانه بلوغ و کشمکش‌های درونی خود، گاهی به خود اجازه می‌دهد که حتی از کلمات وقیحانه هم استفاده کند. شخصیتی که هیچ تعارفی با خود و مخاطب خود ندارد و به راحتی از تاریک‌ترین و پنهان‌ترین چیزهایی که ممکن است در گوشه و کنار ذهنش دفن شده باشد، پرده برمی‌دارد.